

به نام آن ، که جان را فکرت آموخت.

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده ی سینما تئاتر

پایان نامه ی تحصیلی جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

رشته ی ادبیات نمایشی

عنوان بخش نظری:

”بررسی ساختاری منظومه های دراماتیک گیلکی محمد علی

افراشته و شیون فومنی”

استاد راهنما :

دکترفرزان سجودی

عنوان بخش عملی :

”روزیست،خوش...”

استاد راهنما :

دکترفرزان سجودی

تمقیق و نگارش:

شببم شمس مقدم

شهریور ۱۳۸۸

تعهد نامه

اینجانب شبنم شمس مقدم اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزا مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیر فارسی) با ذکر ماخذ کامل و به شیوه ی تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسئولیت آن مستقیماً به عهده ی اینجانب خواهد بود.

تاریخ

امضا

حاصل این پژوهش به خواننده ی آن تقدیم می شود.

شبیم شمس مقدم

شهریور ۱۳۸۸

سپاس فراوان تقدیم به "عاطفه صرفه جو" و "علیرضا شمس مقدم" که نخستین استادانم بودند و "گیلکی" را به فرزندشان نیاموختند اما در جانش نشانند.

با تشکر صمیمانه از "دکتر فرزانه سجودی"، که بی شایبه رهنمونی شاگردش را به عهده گرفت. و سپاس قلبی از تمام استادان و بزرگوارانی که ذهن نا آموخته ی این شاگرد را پروردند. استاد عزیز نصرالله قادری که مفهوم ساختار را طی سالیان به من آموخت. سرکار خانم شیرین بزرگمهر که روش های پژوهش نویسی را نشانم داد. دکتر اسماعیل شفیعی، استاد شهرام زرگر و استاد حسین فرخی که قضاوت مشق این شاگرد را به عهده گرفتند.

همچنین جناب آقای علی اکبر علیزاد، که افتخار مورد قضاوت قرار گرفتن را، نصیب این

جانب نکرد!

و قدردانی از یاران نویسنده و سخنورم :

"کیهان خانجانی"، "شبیم بزرگی" و "عاطفه صرفه جو" که در یافتن منابع گیلکی و دسترسی به مواد مطالعاتی یاریم کردند. همچنین جناب آقای "پورا احمد جکتاجی" مدیر مسئول و صاحب امتیاز نشریه ی "گیله وا".

و مهر و سپاس تقدیم به "حبیب جیشی" که در همه ی مراحل پژوهش همراهم بود و هرگز از یاری ام دریغ نکرد.

شبیم شمس مقدم

شهریور هشتاد و هشت

چکیده:

جمع آوری، مطالعه، بررسی و تحلیل ادبیات بومی کمک می کند تا ریشه ها و هویت خود را بشناسیم. منظور از این پژوهش بررسی ساختاری بخشی از ادبیات دراماتیک گیلکی است که مشتمل است بر پنج منظومه ی گیلکی و نمایشی از "محمد علی افراشته" و "میر احمد سید فخری نژاد" (شیون فومنی). فصل اول این پژوهش به کلیات تحقیق و فصل دوم با عنوان "پیشینه ی تحقیق" به پژوهش های مرتبط با این تحقیق که قبلا انجام شده اختصاص دارد. در فصل سوم با عنوان "چهارچوب تحقیق" نظریات ساختارگرایان که به عنوان متدلوژی این پژوهش در نظر گرفته شده موجود است. در فصل چهارم با عنوان "مطالعات موردی" ابتدا کوشش شده تا برگردانی نزدیک به بیان شاعر، به فارسی از سه منظومه ی افراشته و یک منظومه ی شیون فومنی، ارائه شود. منظومه های گیلکی مورد بررسی از شیون فومنی تا کنون به صورت مکتوب به نشر نرسیده است. لذا این پژوهش به تبدیل متن صوتی آثار فومنی به، مکتوب اقدام نمود. این پژوهش بر خود فرض دانست که در کنار بررسی ساختار دراماتیک متون، مباحث تئوری بررسی ساختاری را در پیوند با فرایند خود پیش ببرد که در کل پیوستار آن وبه ویژه در فصل چهارم موجود است. در فصل پنجم با عنوان "جمع بندی" مطالب پژوهش مورد بررسی کلی قرار گرفته است. در این پژوهش تلاش شده است تا بخشی از آثار ادبیات نمایشی گیلکی، از آرشیو محصولات ادبی خارج شده و در بسته ی کاربردی قرار گیرد. و تاکید پژوهش بر جنبه ها و قابلیت اجرای نمایشی آثاری است که غالبا در زمره ی آثار خواندنی و شنیدنی قرار می گیرند.

کلید واژه ها:

ساختارگرایی، منظومه، دراماتیک، گیلکی، محمد علی افراشته، شیون فومنی.

فهرست مطالب

۶	چکیده
۱۰	فصل اول: کلیات تحقیق
	فصل دوم: پیشینه ی تحقیق
۱۶	پژوهش ها ی پیشین در باب ادبیات و زبان گیلکی
۲۰	فصل سوم: چهار چوب نظری
	فصل چهارم: مطالعات موردی
۳۲	مقدمه: ادبیات عامیانه
۳۳	بخش اول: محمد علی افراشته
	الف: "صحبت کد خدا و مшти صفر"
۳۴	برگردان فارسی "صحبت کد خدا و مшти صفر"
۳۷	ساختار، داستان، طرح، شخصیت و ستیز در "صحبت کدخدا و مшти صفر"
	ب: "سجل فاگیران"
۵۱	برگردان فارسی "سجل فاگیران"
۵۳	بررسی ساختار، داستان، طرح، شخصیت و ستیز در "سجل فاگیران"
	ج- نمایش نامه ی مفت خورالاعیان در سه پرده
۵۷	برگردان فارسی مفت خورالاعیان
۶۶	بررسی "مفت خورالاعیان"
۷۲	بخش دوم: شیون فومنی

	الف_ منظومه ی " معرفی "
۷۲	برگردان فارسی " معرفی "
۸۱	بررسی " معرفی "
۸۶	ب : بررسی " گاب دکفته بازار "
۹۳	فصل پنجم: جمع بندی مطالعات
۹۶	درباره ی آثار افراشته
۱۰۰	درباره ی آثار شیون فومنی
۱۰۲	بررسی کلی
۱۱۲	فهرست منابع و ماخذ
۱۱۵	ضمیمه ی یک :افراشته
۱۱۷	ضمیمه ی دو : شیون فومنی
۱۱۸	ضمیمه ی سه : متن گیلکی " معرفی " (چانکشان)
۱۲۷	ضمیمه ی چهار:متن گیلکی " گاب دکفته بازار "
۱۴۳	ضمیمه ی پنج متن گیلکی "آب انگاره" از "شیون فومنی"
	بخش عملی:
۱۵۰	نمایشنامه ی " روزیست خوش و... "
۱۹۰	ترجمه ی انگلیسی چکیده

فصل اول :

کلیات تحقیق

بیان مساله:

چنان که فریدون نوزاد، در کتاب "تاریخ نمایش در گیلان"^۱ می نویسد؛ اولین مجمع فرهنگی هنری در اردیبهشت ۱۲۸۹ شمسی به نام "امید ترقی" در رشت تاسیس شده است. همچنین تاریخ ساختمان "سن ارامنه" نیز وجود نمایش را در رشت، قبل از سال ۱۲۸۳، نشان می دهد. بدین ترتیب نخستین تئاتر ایران، در گیلان پا گرفته بود. علی حاج علی عسگری در "تاریخچه ی تیاتر گیلان"^۲ می نویسد؛ در دوره ی اولیه ی تیاتر گیلان، بین سال های ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۰، آزادی و مردمی بودن تیاتر، باعث جهشی مهم در مسیر پیشرفت آن شد. در دوره ی دوم از ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ اعمال سانسور شدید، اختناق، تجاری شدن و مسخرگی تیاتر گیلان، باعث رکود آن شد. ولی در دوره ی سوم ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۶، تئاتر گیلان دوباره رو به شکوفایی رفت. به نظر می رسد از ویژگی های بسیار جالب توجه این دوره، ظهور پیمیش پرده هایی است که به زبان محلی بود و مردم را دوباره به سالن های نمایش کشاند.

سراسر تاریخ ایران نشان دهنده ی کنش و واکنش پیوسته ی نیروهای کانون گریز و کانون گراست. و تاریخ ادبیات نیز جدا از آن نیست گرایش به کانون گرایی و دروحدت ادبیات ایران از دیدگاه زبان و محتوی و احساس یکپارچگی اجتماعی، قابل بررسی است، اما همواره به رقم یکنواختی کلی، برخی از سرزمین ها در ادبیات خود را از دیگران جدا کرده اند، حتی سبک هایی چون خراسانی، هندی و... را به وجود آورده اند.

گیلکی یکی از شعب زبان پهلوی است. که بخشی از ساکنان حاشیه ی جنوبی خزر، زمان درازی ست به آن تکلم می کنند. گیلکی به حد کفایت، مایه دار است و جز واژه هایی که مفاهیم امروزی را می رساند، کم و کاستی ندارد. ولی جای تاسف است که معنای واژگان گیلکی و عناصر ادبی - ساختاری آن، دور از دسترس نسل گیلک حاضر قرار گرفته اند. و با در نظر گرفتن سابقه ی تئاتر در گیلان، جای تاسف است که، تعداد نمایشنامه های گیلکی - دارای چهار گویش - نسبتاً ناچیز است.

۱: نوزاد فریدون، تاریخ نمایش در گیلان، رشت، گیلکان، ۱۳۶۸

۲: حاج علی عسگری علی، تاریخچه ی تئاتر گیلان رشت، اداره ی کل فرهنگ گیلان

تا کنون، تحقیقاتی در رابطه با واژگان و دستور زبان گیلکی به عمل آمده است که طبیعتاً ماهیت زبان شناسانه داشته اند. به علاوه در زمینه ی گرد آوری و تا حدودی تفسیر و ترجمه ی آثار ادبی گیلکی و بررسی تاریخی آنها نیز پژوهش هایی صورت گرفته و جالب آنکه بسیاری از آن ها، توسط خارجی هایی انجام شده که برای سیاحت و یا ماموریت رسمی به ایران آمده بوده اند. لذا طبیعتاً این پژوهش ها گرچه ارزش بسیاری دارند ، خالی از لغزش نیستند.

باید توجه داشت که بخش اعظمی از ادبیات گیلکی، شفاهی است_ که ثبت مکتوب آن ها ضروری به نظر می رسد_ که به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. در مورد بخش مکتوب موجود، غالباً تنها به ثبت آنها اکتفا شده و جای پژوهش های بسیاری، خالی است. همانطور که در مورد نمایشنامه نویسی گیلکی جرقه هایی زده شد و آتشی نیفروخت، بخش های دیگر این ادبیات نیز رو به خاموشی است.

اعتقاد این پژوهش بر آن است که تولید آثار ادبی بومی و در خور ساختار اجتماعی هر منطقه ، کمک زیادی به ساختار فرهنگ بومی، ملی و جهانی خواهد کرد. واضح است که، پرورش و رشد ادبیات و هنر_ در اینجا نمایش_ از هر لحاظ مفید است. باید در نظر داشت که در حال حاضر فرهنگ های قومی و سنتی در خطر تغییر ماهیت به یک خاطره ی اجدادی و در معرض هجوم جوامع پیشرفته تر و صنعتی تر قرار گرفته اند و پیامد نپرداختن به چنین پژوهش هایی از دست رفتن دستاویز های اتصال به محصول برداشت و ادراک مردمان هراقلم و راه های انتقال انگاره های ذهنی و اجدادی است. نا گوار آنکه، یورش پی در پی فرهنگ رسمی موجب عقب نشینی و پنهان شدن بسیاری از عناصر فرهنگ بومی و قومی در اعماق جنگل ها و کوهستان ها و در خاطرات سالخوردهگان شده است.

به راستی برخی داستان های عامیانه کاربرد خود را در تاریخ ادبی تثبیت کرده اند. از این جمله، آثار سخنورانی چون فردوسی، ناصر خسرو، مشفق، نوایی و ... است که به یاد مردمان مانده اند. شاعران چیره دست دوران های بعد ، گهگاه به گویش های بومی شعرهایی اغلب به طنز ساختند، مانند عبید زاکانی، بسحاق، قاری، صبوچی بیرجندی و دیگران از چند شاعر که آشکارا به گویش بومی شعر سروده اند، می توان بابا طاهر، شرفشاه گیلانی ، امیر پازواری و شاه عاشق قناد شیرازی را نام برد که گاه در فرهنگ عامیانه کار کرده اند ... این آثار از دیدگاه فرهنگی سرشار از اهمیت اند. ادبیات عامیانه را باید سند تاریخ و فرهنگ و نمود آگاهی مردمان هر منطقه شمرد. متأسفانه بسیاری از آثار ارزشمند گذشته که می تواند زیر بنای خلق آثار آینده باشد واز شناخته

شدن محروم مانده اند. ادبیات گیلکی در سه دهه ی اخیر اغلب آن گاه که شکلی شفاهی و زبانی مردم گرا داشته است، مقبول واقع شده و برعکس مجموعه ای از اشعار روشنفکری و هنری ادبیات مزبور، در صورت مدون و مکتوب خود، در جلب گرایش مردم به خویش توفیقی نمی یابد. اما مردم مضامین، داستان، زبان و ساختار ادبیات شفاهی را به نیکی در آثار شاعرانی چون شیون درک می کنند که در زبان مغلق و ناملموس بخش دیگر ادبیات گیلکی (کتاب و مجله) این امر مسیر نشده است.

”محمد علی افراشته“ از پیشگامان شعر گیلکی و از سراینندگان شعر ساده و روان فارسی و طنز اجتماعی است، که شاعری را با گیلکی آغاز کرد و نو آوری و گیلکی سرایی را به شاعران گیلان باز آموخت. زبان شعر های او چنان با زبان مردم گیلان آمیخت که بسیاری از گفته هایش ظرب المثل شد. بیشتر شعرهای گیلکی او به نام ”راد باز قلعه ای“، ضمیمه ی روزنامه های روزگارش در رشت، با تیراژ دست کم سه هزار نسخه منتشر شده است. این تیراژ در مقایسه با حدود شصت سال بعد روزگار ما _ نشان دهنده ی اقبال مردم گیلان از سروده های این شاعر در زمان خودش بوده است. از این رو تعدادی از اشعار گیلکی افراشته در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

تعداد دیگری از منظومه های مورد بررسی در این پژوهش توسط ”شیون فومنی“ سروده شده است. در حوزه ی شعر گیلکی او مردمی ترین شاعر گیلان است، که در اشعار خود از حکایت های فولکلور، سود بسیار برده است. شیون فومنی، از معدود شاعران معاصر گیلک است که اکنون نیز شعرش دارای مخاطب و قدرت در تکنیک روایت از جمله ساختار روایت، پردازش شخصیت ها در توصیف و در زبان، غافل گیری، گروه پردازی، زبان، سبک، واژگان و تصاویر در آثار او قابل توجه است.

روش و سوالات تحقیق:

این پژوهش هر متن معینی را نمودی از یک ساختار مجرد می انگارد و تحقیق در باب زندگی نامه ی نویسنده و حواشی تاریخی را کنار می گذارد. گرچه معتقد است این دو مغایرتی ضروری ندارند، ولی بسته به تاکید موضوعی خود به متن آثار می پردازد. آنچه که این پژوهش مورد بررسی قرار می دهد؛ ویژگی های نوع معینی از سخن ادبی است. این پژوهش چندان به ”این“ یا ”آن“ قطعه ی یک اثر نمی پردازد، بلکه به ساختارهای مجردی توجه دارد که از قبیل آن را ”سبک“، ”کنش کلامی“، ”روش بیان“ و ”روایت“ می نامند. برای این کار به آثار مورد بررسی به عنوان نمایش نامه نگریسته می شود. و ساختار دراماتیک آنها مورد بررسی قرار می گیرد. که بدین منظور نیز رابطه ی عناصر درام در آن ها مد نظر است. این پژوهش در پی پاسخ به سوالاتی در

راستای اهداف خود است. سوالاتی نظیر اینکه تماس عناصر و اشکال فرهنگی و مناسبات میان آنها در دل ساختار ادبی گیلکی چگونه است؟ آثار مورد بررسی تا چه اندازه نمایشی اند و عناصر ساختاری دراماتیک در آنها چگونه به کار گرفته شده است؟ در آثار دراماتیک گیلکی کدام عناصر ساختاری کارآرایی بیشتری دارند؟ ساخت های غالب در منظومه های مورد بررسی چیست؟ ایده های مکرر در آنها چگونه است؟ رابطه ی نظام ادبیات دراماتیک گیلکی با فرهنگی و زبانی که جزیی از آن است چگونه است؟ کارکرد زیبایی شناسانه ی زبان گیلکی در ادبیات دراماتیک آن چیست؟ نظام تاویلی خاص فرهنگ گیلکی چگونه در آثار ادبی اش منعکس شده است؟ زبان و ساختار بیان در متون چگونه عمل کرده است؟ شیوه ی اتصال میان عناصر و اجزا سازنده ی آثار مورد نظر چیست؟ بنیان های سازنده ی متون چیست؟ از کدام دیدگاه روایت بیشتر استفاده شده است؟ ساختار نهایی روایات کدام است؟ مناسبات بینامتنی آثار چیست؟ قاعده های معانی در ادبیات دراماتیک گیلکی (امکاناتی که زبان برای معنا فراهم می کند) چیست؟

اهداف تحقیق:

هدف کلی این پژوهش یافتن عنصر دگرگونی ناپذیر میان تمایزهای سطحی و تبیین اصول ساختاردر "کلیت" آثار دراماتیک گیلکی "محمد علی افراشته" و "شیون فومنی" است. باید توجه داشت که هدف این پژوهش، به هیچ روی، بررسی یک اثر واحد نیست، بلکه غرض، کشف قوانین عامی است که هر متن معین، فرآورده ی آن است. این پژوهش در جستجوی باز گویی معنا نیست، بلکه هدفش شناخت قوانین عامی است که ناظر بر خلق آثار مورد بررسی است. و این قوانین را در اینجا، صرفاً درون ادبیات آثار دراماتیک گیلکی افراشته و فومنی می جوید. نه غیر از آن.

متن مکتوب آثار مورد بررسی از افراشته در دسترس عموم موجود است، اما آثار مورد بحث از شیون فومنی شفاهی است و از جمله اهداف اختصاصی این پژوهش به دست دادن متن مکتوب آنها برای استفاده در این پژوهش و پژوهش های آینده است. در همین راستا و در پیوند با پژوهش هایی کلی تر و سهولت مطالعات و تامل در باب آثار مورد بررسی، وجود ترجمانی به فارسی که کلیت اثر را تا حد امکان دست نخورده نگه دارد، ضروری به نظر می رسد و چون ترجمه های موجود که صرفاً در مورد آثار افراشته بودند، از این آثار منظوم، به "نثر" و تا حدود زیادی توصیفی و به فارسی "معیار" بود، در حالی که ذات ادبی محاوره در این آثار اجتناب ناپذیر است، یکی دیگر از اهداف این پژوهش به دست دادن ترجمه هایی به فارسی "محاوره و منظوم" است که ویژگی های "ساختاری زبان و بیان" در آنها رعایت شده باشد.

پس از ثبت مکتوب و ترجمه ی آثار ، برای بررسی بخشی از ساختار ادبیات دراماتیک گیلکی_ که خود، بخشی از ساختار کلی ادبیات دراماتیک ایرانی است_ و برای شناخت کلیت آن و برآوردن نیاز به نظامی منسجم که آثار ادبی دراماتیک گیلکی را وحدت بخشد و کلیت آن را قابل بررسی گرداند، تحقق اهداف اختصاصی تری زمینه ساز است. اهدافی چون ؛ اکتشاف و بررسی رابطه ی نظام مند ادبیات گیلکی با فرهنگ و زبانی که بخشی از آن است و بررسی اصول همگانی آن که خود، نیازمند بررسی چگونگی تماس عناصر و اشکال فرهنگی و مناسبات میان آنها در دل ساختار ادبیاتش و بررسی رمزگان و کارکرد آن است.

بررسی و ردیابی شگرد های مکرر روایت در آثار و شناخت منش بیانگری زبان و توان بیانگری و شناخت ساختار کلامی ذهن از راه شناخت و تحلیل روش بیان مولفان و بررسی مناسبات بینامتنی این آثار اهداف راه گشای دیگر این پژوهش است. که خود اهدافی دیگر، یعنی بررسی آثار در تطبیق با نمایشنامه، به لحاظ کمی و کیفی ، تبیین انواع ساختار در هر یک از آثار و بررسی دامنه ی فراگیری هر نوع از این ساختارها در کلیت ادبیات مورد بحث، بررسی ساختار بیرونی و درونی و رابطه ی این دو در آثار و ... را پیش روی این پژوهش می نهد. بررسی اجزای درام در این آثار مطابق نظریه ادبی ؛ بررسی ستیز موجود در اثر، طرح، داستان، کشش، شرایط مفروض، ایده، نواخت ها ، گفتگو ، کنش، حال و هوا و شخصیت ها از نظر کنشی و بررسی مشخصه های معنایی و ارتباط آن ها با ساختار آثار از دیگر اهداف اختصاصی است. همچنین بررسی ساختارهای خرد و کلان و سطوح روایت در آثار، تحلیل گفتمان در روایت ها و تشخیص واحد های روایی و رابطه ی آن ها با هم ، شناسایی عناصر ساختاری و حالت های مختلف ترکیب عناصر در روایت آثار، در دستور کار این پژوهش قرار دارد.

فصل دوم:

پیشینه ی تحقیق

پژوهش‌های پیشین در باب ادبیات و زبان گیلکی :

نوشته‌هایی در گیلکی به نظم و نثر، به گونه پیوسته و گسسته، بسته و گریخته از سده‌های گذشته و به فراوانی از آغاز مشروطه به بعد وجود دارد. در باب این آثار و مسایل مرتبط با آن‌ها و اصولاً دستور و ادبیات گیلکی، پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است.

از آثار منظوم پیش از قرن هشتم هجری اطلاع چندانی در دست نیست. تنها در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم اشعاری به گیلکی-فارسی از "بند رازی" به جا مانده است. بعد از آن قدیمی‌ترین آثار برجا مانده از "شاه شرف"، معروف به "شرفشاه" است. دیوان شرفشاه به کوشش "محمد علی صوتی" و توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۸ در تهران منتشر شد. این اشعار و دیوان تاکنون از جنبه‌های گوناگون به وسیله تنی چند بررسی شده است. اشعار گیلکی این دیوان سند ارزنده و کهنی برای گیلکی نوشتاری است.

یک تصحیح و تحشیه‌ی دیوان شرفشاه، نیز توسط عباس حاکی، در انتشارات اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده است.

غزلیات گیلکی "قاسم انوار" از سده‌ی نهم قمری در دیوانی به کوشش "سعید نفیسی" تدوین و توسط "عطا الله تدین" نیز مورد بررسی قرار گرفته است. "عزیز دولت آبادی" نیز کوشش نموده مورد اعتمادترین غزلیات گیلکی قاسم انوار را به دست دهد، که با وجود تلاش او، کج نویسی و تحریف در آن به چشم می‌خورد.

نسخه‌ای در خصوص «مطبوعات گیلان» در هفت باب و... خطی از سده سیزدهم قمری در کتاب‌خانه مجلس شورای ملی پیشین موجود بوده است. این نسخه، با وجودی که جایش معلوم است، ولی هنوز گم شده و نایافته به شمار می‌آید. به احتمال زیاد حاوی "مفردات گیلکی" در باب، نام خوراک‌ها و اصطلاحات ویژه آشپزی گیلانی است.

پژوهشی در باب گردآوری مثل‌ها و ترانه‌های گیلکی توسط "علی اکبر مرادیان گروسی" انجام و در سال ۱۳۴۷ در رشت منتشر شد.

دست‌نوشته‌هایی از "دورن" خاورشناس آلمانی/روس به جا مانده که مقداری از اشعار شرفشاه را در بر دارد و امروزه در کتاب‌خانه‌ی "سالتیکوف" نگهداری می‌شود. همچنین دورن،

اشعار گیلکی "میرزا عابد فومنی"، "ملا رضا ابن ملا رستم فومنی"، "میرزا باقر لشت نشایی" و "میرزا ابراهیم گیلانی" از سده ی سیزدهم قمری را جمع آوری نموده است. در دستنوشته های او فصل هایی از کتاب "تاریخ طبرستان، رویان و مازندران" تالیف "سید ظهیرالدین مرعشی" با ترجمه ی گیلکی "میرزا ابراهیم گیلانی" به چشم می خورد. دوران یک داستان به گیلکی را نیز در کتابش "کاسپیا" چاپ کرد.

"نیکیتین" سفیر روسیه در کتابش از اشعار گیلکی "نیزار" نام می برد که باز نیافته است. وی یادداشت ها و نوشته هایی به گیلکی جمع آوری نموده و برای زبان شناس مشهور ژوکوسکی فرستاد که احتمالاً اکنون در کتاب خانه ی "سچردین" است.

شعری به گیلکی از "سید اشرف الدین قزوینی (گیلانی)" به کوشش "حسین نمینی"، در انتشارات کتاب فرزانه، تهران، ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است.

اشعار اجتماعی و سیاسی رادبازقلعه‌ای (افراشته) در آغاز به صورت ورقه‌های چاپی در کوی و برزن به فروش می‌رفت. پس از انقلاب نصرت الله نوحیان مجموعه ی کارهای محمد علی افراشته را در سه جلد با عنوان "مجموعه شعر محمد علی افراشته"، "چهل داستان" و "نمایشنامه ها، تعزیه ها و سفرنامه" گردآوری و چاپ کرد. مقداری هم در روزنامه "چلنگر"، مجله ی "گل‌های رنگارنگ" و سرانجام در کتاب "گزیده ادبیات گیلکی" توسط ابراهیم میرفخرایی" در سال ۱۳۵۸ همراه "اشعار گیلکی میرزا حسین خان کسمایی"، "ابراهیم سراج" و "محمد بشرا"... انتشار یافت. مجموعه ی دیگری به کوشش م.ا.به آذین" از اشعار محمد علی افراشته در سال ۱۳۵۸ چاپ شد. همین مجموعه به همراه چند شعر گیلکی دیگر افراشته به کوشش "محمود پاینده ی لنگرودی" و با ترجمه ی فارسی او، توسط نشر گیلکان در رشت و در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید. که البته بخش هایی از منظومه ها در آن، مورد سانسور قرار گرفته و منظومه ی اولاد خلف که از آن در فهرست نام رفته در کتاب موجود نیست.

مقالات میراث مشترک اقوام حاشیه ی دریای خزر و آسیای میانه که توسط "کریستین برومبرژه" نوشته شد، در ۱۳۵۸ در ساری به چاپ رسید.

"علی حاج علی عسگری" علاوه بر تالیف "تاریخ تئاتر گیلان" مقداری از پیش پرده های گیلکی را که توسط "اسماعیل پور سعید" و "رمضان هوشمند" و "جواد دلخوش نواز" سروده شده اند،

جمع آوری نموده است. پیش پرده ی گیلکی " به حمام رفتن خانم ها " از پورسعید درسالنمای هنر ۱۳۲۸ به چاپ رسیده است.

"ترانه های محلی ساکنان کرانه های جنوبی دریای خزر" توسط "الکساندر خودزکو" جمع آوری، و بعد ها در سال ۱۳۸۱ با ترجمه ی "جعفرخامی زاده" توسط انتشارات سروش در تهران منتشر شد.

نمایش سنتی "عروس گولی" توسط "طاهر طاهری" تحت عنوان "فرهنگ زندگی در آینه ی نمایش" بررسی شد.

"نقد و تحلیل افسانه های گیلان" توسط "علی تسلیمی" انجام و توسط انتشارات چوبک در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان "گذر از جهان افسانه" منتشر شد. که وجوه ساختارگرایانه در آن مشهود است.

"تذکره ی شاعران گیلان" توسط "محمد عباسیه کهن" گرد آوری شد.

"افسانه های ماسال" توسط "امیر علی عاشوری" در سال ۱۳۸۴ جمع آوری و طبقه بندی ساختاری شد و در رشت به چاپ رسید.

"بررسی شعر و شاعران گیلک" توسط "هوشنگ عباسی"، در ۱۳۷۶ در رشت با نام "شاعران گیلک و شعر گیلکی" به چاپ رسید.

"باور ها و فرهنگ عامیانه ی کرانه ی خزر" توسط "جان هانوی" سیاح انگلیسی بررسی شد.

لهجه های سواحل جنوبی خزر در کتاب "Recherche Surles Dialectes Persans" توسط

"برزین"، استاد دانشگاه غازان بررسی شد.

بررسی قواعد دستور گیلکی و مازندرانی و چند ترانه ی گیلکی توسط "ملگونوف" ایران شناس روس در ۱۸۶۸ انجام و با ترجمه ی دوستش چاپ شد.

"دستور گیلکی همراه با هفت متن و سه منظومه و واژه نامه" در کتاب آ. کریستین سن دانمارکی با عنوان "همکاری" در سال ۱۹۳۰ چاپ شد.

. ۱: J.M.Berezin

سه تن از مستشرقین زبان شناس شوروی به نام های "سوکولووا"، "زاویالووا" و "پاخالینا" به مطالعه ی گیلکی پرداختند و در اطراف صرف و نحو و تعیین دستگاه فونولوژیکی آن کار کردند و نتیجه ی تحقیقاتشان را در ۱۹۷۵ انتشار دادند

"راستاگویوا"، "کریموا"، "آ.ک.کریم زاده"، "ال.آ.پیری کو" و "آی.آ.دلمان" در ۱۹۷۱ میلادی کتابی منتشر ساختند که مجموع مطالعات زبان گیلکی را تا تاریخ مزبور در بر دارد.

فصل سوم :

چهار چوب نظری